

## نقش داوری در حل و فصل منازعات خانوادگی



پیشینه اندیشه حل و فصل دعاوی خانوادگی از طریق داوری و نهادهای سازشی بر این منطق تکیه دارد که از آنجایی که ماهیت روابط خانوادگی بر پایه عشق و عاطفه استوار است بنابراین در شأن چنین نهادی نیست که در فرض بروز مسایلی، با این پدیده همانند سایر مراعات برخورد شود.

پیشینه اندیشه حل و فصل دعاوی خانوادگی از طریق داوری و نهادهای سازشی بر این منطق تکیه دارد که از آنجایی که ماهیت روابط خانوادگی بر پایه عشق و عاطفه استوار است بنابراین در شأن چنین نهادی نیست که در فرض بروز مسایلی، با این پدیده همانند سایر مراعات برخورد شود.

به گزارش «تابناک»؛ از طرف دیگر در برخورد با این اختلافات باید نهایت حوصله و سعه صدر را به خرج داد چرا که در صورت شتابزدگی در اتخاذ تصمیمات به ویژه در موارد حکم به جدایی زوجین، از چنان آثار سوئی برخوردار است که چه بخواهد یا نه جبران آن در آینده غیرممکن باشد. به علاوه با توجه به اینکه خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد و مورد حمایت عمیق قانون اساسی قرار دارد، با هدف تأمین سلامت جسمی و روحی اعضای آن بالاخص طفل و مادر، بهره‌گیری از نهاد میانجی‌گری در پی‌ریزی قوانین جاری دارای اهمیت بسزایی است.

نگاه متون دینی به رفع اختلافات خانوادگی از طریق داوری

از آنجایی که قواعد حوزه خانواده با مسایل مذهبی و اخلاقی ارتباط تنگاتنگ دارد، لذا حقوق خانواده از مهمترین بخش‌های حقوق مدنی ایران است که اکثریت قواعد مربوط به آن از فقه اسلامی نشات گرفته است.

این امر از آن جهت اهمیت دارد که قواعد و مقررات آن با زندگی شخصی و خصوصی هر فرد جامعه پیوند ناگسستنی دارد یعنی هیچ فردی از اعضای جامعه وجود نخواهد داشت که به نحوی از قواعد و اصول حاکم بر حقوق خانواده متأثر نباشد.

از جمله مسایلی که در وضعیت فعلی نیاز به واکاوی دارد این است که در بسیاری از مواردی در حل و فصل اختلافات خانوادگی، به جای بهره‌گیری از سنت حسنه رجوع به بزرگان خبره فامیل؛ مراجعه به محاکم مرسوم شده است.

این موضوع در حالی است که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اگر از جدایی و شکاف میان آن دو بیم داشته باشید، داوری از خانواده شوهر و داوری از خانواده زن برگزینید تا به کار آنها رسیدگی کنند. اگر این دو داور تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می‌کند زیرا خداوند دانا و آگاه است.» بنابراین برای از بین بردن اختلافات فیما بین همسران فرمان داده شده است داورانی از دو سو برگزیده شوند و آن دو با همفکری یکدیگر، به نزاع پایان دهند.

در تحلیل این موضوع می‌توان بیان کرد احکام آمرانه دادگاه‌ها و هرگز نمی‌تواند نقش سازنده‌ای در ایجاد صلح و سازش و فیصله دادن به دعوی ایفا کند.

به همین جهت است که بر خلاف اینکه یکی از شرایط صلاحیت، بی‌طرفی داور در سایر مسایل اختلافی و عدم نسبت با طرفین منازعه است اما بنا به رهنمود کلام وحی که فوقاً اشاره شد، مسایل زوجین باید از راه گفت‌وگوهای درون فامیلی حل و فصل شود.

به علاوه از آنجایی که داوران خانوادگی در سود و زیان، آشتی و فراق زوجین شریک هستند، با خیرخواهی بیشتری ورود پیدا می‌کنند بنابراین مساعی و تلاش خود را به گونه‌ای مصروف می‌دارند که اختلافات زوجین به آشتی منتهی شود اما مراجعه کوتاهی به محاکم خانواده، حکایت از بی‌تفاوتی برخی از داوران و رفع تکلیف از مأموریت اداری محوله به آنان دارد.

یکی از مقررہ‌ها و قوانین جدید حمایت خانواده، ارجاع طرفین به نهادها و مراکز مشاوره است. دلیل این امر آن است که با تشکیل مراکز یادشده، چه و بسا ممکن است اختلافات خانوادگی در این مراکز حل و فصل شوند.

البته پیش از این قرار بود صرفاً زوجین متقاضی طلاق توافقی، به این مراکز مراجعه کنند اما اکنون قاضی می‌تواند زوجین را به این مراکز ارجاع دهد البته در مورد طلاق توافقی، الزاماً باید قبل از صدور حکم، به این مراکز مراجعه شود.

#### تشریفات ارجاع دعوا به داوری در محاکم خانواده

با ارجاع پرونده به شعبه و ای از دادگاه و ای از دادگاه خانواده، این مرجع وقت رسیدگی تعیین می‌کند. در ابتدا قاضی دادگاه توضیحاتی از طرفین دعوا می‌خواهد. سپس قرار ارجاع امر به داوری را صادر و به طرفین ابلاغ می‌کند که طرفین داوران اختصاصی خود را در مهلت تعیین شده انتخاب کنند.

مطابق قانون جدید حمایت خانواده پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری، هر یک از زوجین مکلفند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ یک نفر از اقارب متأهل خود را که حداقل 30 سال داشته و آشنا به مسایل شرعی و خانوادگی و اجتماعی باشد به عنوان داور به دادگاه معرفی کنند.

منطق حکم می‌کند که زوجین داوران را از میان اقوام خود انتخاب کنند زیرا این داوران به وضعیت زندگی طرفین بیشتر واقف بوده و بیشتر در جریان زندگی آنها هستند.

برخلاف داوری در دعاوی حقوقی که داوران نباید با طرفین نسبتی داشته باشند، در دعاوی خانوادگی گفته می‌شود «فابعثوا حکماً من أهله و حکماً من أهلها»؛ یعنی از بین خانواده هر کدام از زن و مرد، حکم تعیین شود. این افراد برای اصلاح بین زن و شوهر، با آنها مذاکره و صحبت می‌کنند. در قانون حمایت خانواده نیز پیش‌بینی شده است که داوران لاقول باید در مدت تعیین شده از طرف دادگاه، طرفین را احضار و با آنها صحبت کنند؛ به این امید که دعاوی زوجین به سازش خاتمه پیدا کند.

در اینجا پرسشی مطرح می‌شود، مبنی بر اینکه در صورتی که زوجین داوری نداشته باشند یا ادعا کنند که کسی را به عنوان داور نمی‌شناسند، تکلیف چیست؟

در پاسخ باید گفت در این شرایط دادگاه به جای طرفین می‌تواند داور تعیین کند. زمانی که داور انتخاب شد، به وی ابلاغ می‌شود که شما به داوری منصوب شدید.

سپس در پی اعلام قبولی از سوی داور، وی به عنوان داور معرفی می‌شود. حال اگر بین آنها اصلاحی واقع نشد، یکی از داوران یا هر دوی آنها نظر می‌دهند که زن و شوهر نمی‌توانند در کنار هم قرار گیرند و با هم زندگی کنند.

آیا قاضی در پذیرش نظر داور، ملزم به تبعیت است؟

پرسش دیگری که در اینجا مطرح می‌شود؛ ZWNJ است که آیا قاضی در پذیرش نظر داور الزام به تبعیت دارد؟

در پاسخ به این پرسش هم باید گفت اگر داوران نظر دهند که زوجین می‌توانند با هم زندگی کنند یا برعکس، در هر حال ترتیب اثر دادن به این نظریه برای قاضی دادگاه الزامی نیست یعنی نظر داوران ماهیتاً حکم تلقی نمی‌شود بلکه یک نظر کارشناسی است که به دادگاه اعلام می‌کنند.

به ZWNJ عبارت دیگر قاضی اجباری ندارد نظریه داوران را به صورت رأی در آورد.

ارجاع امر به داوران بیشتر جنبه سازشی داشته و داوران نمی‌توانند حکم به طلاق یا ادامه زندگی دهند. تنها اگر طرفین سازش کنند و صورت ZWNJ؛ ZWNJ؛ جلسه ZWNJ؛ ای تنظیم شود، دادگاه به آن ترتیب اثر داده و پرونده را مختومه خواهد کرد.

یادآور می‌شود، در هر حال دادگاه با تحقیقاتی که مجدداً از طرفین دعوا می‌ZWNJ؛ کند و نیز با توجه به مدارک و دلایل ابرازی، تصمیم نهایی مبنی بر اینکه آیا طرفین دعوا توانایی زندگی با یکدیگر را دارند، اتخاذ می‌ZWNJ؛ کند بدیهی است در صورتی که دادگاه احراز کند ادامه زندگی میسر نیست، حکمی در قالب گواهی عدم امکان سازش صادر می‌ZWNJ؛ کند.

#### شوراهای حل اختلاف ویژه خانواده

با هدف ایجاد صلح و سازش در دعاوی مدنی و به موجب قوانین جاری، یکی از مراجع قضایی رسیدگی ZWNJ؛ کننده به دعاوی خانوادگی، شوراهای حل اختلاف است.

در این راستا دادخواست ZWNJ؛ هایی که از سوی زوجین در مورد مشکلات خانوادگی، به ویژه تقاضای طلاق به دادگاه ZWNJ؛ ها ارایه می‌ZWNJ؛ شود، از سوی مراجع مذکور ابتدا به شوراهای حل اختلاف ارجاع می‌ZWNJ؛ شود تا در صورت امکان با دعوت از طرفین و مذاکره با آنان موضوع به صورت مسالمت ZWNJ؛ آمیز و از طریق کدخدانمنشی حل و فصل شود و نیازی به حکم دادگاه نباشد. در صورت عدم حصول سازش، پرونده مجدداً جهت طی مراحل قانونی به دادگاه اعاده می‌ZWNJ؛ شود. از جمله محاسن رسیدگی در شوراهای حل اختلاف می‌ZWNJ؛ توان به کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی، رفع اختلافات خانوادگی از طریق سازش، جلوگیری از تطویل دادرسی، عدم رعایت تشریفات آیین دادرسی و حفظ شخصیت ارباب رجوع اشاره کرد. چگونگی رسیدگی در شوراهای بدین ترتیب است که پس از ارجاع پرونده، اقداماتی از قبیل احضار طرفین برای مذاکره و تلاش برای حل و فصل موضوع و مختومه کردن پرونده به صلح و سازش و سایر اقدامات قانونی به عمل می‌ZWNJ؛ آید و در نهایت اقدام به صدور قرار، گزارش اصلاحی یا رأی می‌ZWNJ؛ شود.

در صورت عدم حصول سازش، چنانچه موضوع در صلاحیت شورا باشد، قاضی شورا پس از مشورت با اعضای شورا و اخذ نظریه کتبی آنها، رأی مقتضی صادر می‌ZWNJ؛ کند و در این صورت تنها نظر قاضی ملاک اخذ تصمیم و صدور رأی است.